

گزارش ویژه جنگ | شماره دو

ترک بر بال‌های عقاب؛ بهای گزافی یک نجات



مقدمه

در حالی که دستگاه تبلیغاتی کاخ سفید تلاش می‌کند مأموریت نجات خلبان آمریکایی در قلب ایران را یک «موفقیت جسورانه» جلوه دهد، کالبدشکافی دقیق این رویداد در رسانه‌های استراتژیک غرب، از واقعیت هولناک دیگری حکایت دارد. شماره سوم «گزارش ویژه جنگ» به بررسی ابعاد پنهان درامی ۴۸ ساعته می‌پردازد که در آن، ارتش ایالات متحده برای نجات تنها یک نفر، ناچار به خودزنی تجهیزاتی و نابودی ناوگان ترابری خود در خاک ایران شد.

از لابلای گزارش‌های اختصاصی رویترز، آتلانتیک، گاردین و رسپانسیبل استیت‌کرفت، تصویری بازسازی شده که در آن «برتری مطلق هوایی» آمریکا پس از ربع قرن به چالش کشیده شده است. این گزارش‌ها نشان می‌دهند که چگونه یک سقوط ساده به یک بحران لجستیکی ۲۵۰ میلیون دلاری تبدیل شد و چگونه «ضعف‌های ساختاری» آمریکا در برابر چشمان رقبای بزرگی چون چین به نمایش درآمد. هدف این شماره، تبیین این واقعیت است که پدافند هوایی ایران نه تنها «نابود نشده»، بلکه اکنون در حال تحمیل هزینه‌های غیرقابل جبران به ماشین جنگی واشینگتن است.

- ❑ تحلیل‌ها و پیشنهادات مندرج در این بولتن، منعکس‌کننده دیدگاه‌های هیچ مرجع یا نهاد رسمی در ایران نمی‌باشد و صرفاً یک «گزارش دیده‌بانی» است. محتوا بر اساس پایش مستمر رسانه‌های بین‌المللی تدوین شده و با توجه به ماهیت پرشتاب جنگ، تغییرات بنیادین در شرایط میدانی کاملاً محتمل است.

How a perilous US rescue mission in Iran nearly went off course

By Phil Stewart, Idrees Ali and Humeyra Pamuk

April 6, 2026 12:34 AM GMT+3:30 · Updated 9 hours ago



An image released on April 5, 2026, and obtained from social media appears to show wreckage of an American aircraft and a helicopter rotor in Isfahan, Iran, which forensic imagery analyst William Goodhind said is consistent with a U.S. MC-130J or HC-130J, amid the U.S.-Israeli conflict with Iran. Social Media/via REUTERS/File Photo [Purchase Licensing Rights](#)

۱۴۰۵/۰۱/۱۷

گزارش شماره یک

منبع: خبرگزاری رویترز یکی از سه خبرگزاری بزرگ و معتبر جهان است که به انتشار اخبار دقیق، فراجناحی و متکی بر منابع مستند شهرت دارد. گزارش‌های رویترز در حوزه امنیت ملی آمریکا معمولاً از طریق نفوذ در پنتاگون و کاخ سفید تهیه می‌شود و اعتبار جهانی بالایی دارد.

حمیرا پاموک



خبرنگار ارشد سیاست خارجی که همراه با وزرای خارجه آمریکا سفر می‌کند و ۲۰ سال تجربه پوشش بحران‌های بین‌المللی را دارد.

ادریس علی

خبرنگار اختصاصی پنتاگون که بر روی عملیات‌های نظامی آمریکا در خاورمیانه و آسیا تمرکز دارد.

فیل استوارت



خبرنگار برنده جایزه و با سابقه در حوزه امنیت ملی که از بیش از ۶۰ کشور از جمله افغانستان و اوکراین گزارش تهیه کرده است.

چکیده گزارش رویترز: تخریب ناوگان نجات در قلب ایران

فاجعه لجستیکی

عملیاتی که ظاهراً برای نجات یک سرهنگ آمریکایی در نزدیکی تهران موفقیت آمیز بوده، به یک فاجعه لجستیکی و نظامی تبدیل شده است.

ارتش آمریکا برای جلوگیری از اسارت نیروهای ویژه خود و لورفتن تکنولوژی‌های محرمانه، ناچار شده است شش فروند از پرنده‌های نظامی خود — شامل دو هواپیمای ترابری راهبردی و چهار هلیکوپتر — را در داخل خاک ایران بمب‌گذاری و نابود کند.

واقعیت میدان در برابر روایت ترامپ

این گزارش تأکید می‌کند که پدافند هوایی ایران با استفاده از تسلیحات جدید، حریم هوایی را برای جنگنده‌های اف-۱۵ و حتی هلیکوپترهای بلک‌هاوک آمریکایی ناامن کرده است.

در حالی که ترامپ این عملیات را «جسورانه‌ترین مأموریت تاریخ» می‌نامد، واقعیت میدان نشان‌دهنده فرسودگی تجهیزات آمریکایی و غافلگیری آن‌ها از توان پدافندی ایران است.

محورهای کلیدی گزارش رویترز

1

اعتراف به قدرت پدافندی جدید ایران

رویترز تأکید می‌کند که پدافند ایران (قرارگاه خاتم الانبیاء) به سیستمی دست یافته که می‌تواند پیشرفته‌ترین جنگنده‌های آمریکایی را در استان‌های مرکزی (اصفهان) شکار کند.

2

شکست لجستیکی در عمق خاک

نقص فنی هواپیماهای MC-130 نشان دهنده فشار بیش از حد بر ناوگان ترابری آمریکا و ناتوانی در پشتیبانی از عملیات‌های دوربرد در خاک ایران است.

3

خسارت خودزنی

انهدام ۶ فروند هواپیما و هلیکوپتر توسط خود آمریکایی‌ها در داخل ایران، یک پیروزی تبلیغاتی و نظامی بزرگ برای ایران محسوب می‌شود؛ زیرا آمریکا ترجیح داده اموال میلیون دلاری خود را آتش بزند تا به دست ایران نیفتد.

4

بقای توان موشکی ایران

اعتراف آمریکا به اینکه دو سوم توان موشکی ایران همچنان دست‌نخورده یا در تونل‌های زیرزمینی محفوظ است، نشان دهنده شکست عملیات‌های بمباران سنگین هفته‌های گذشته است.

نظر کارشناس: راهبرد ایران بر اساس گزارش رویترز

بر اساس این گزارش، ایران باید راهبرد خود را بر «نفی دسترسی هوایی» و «شکار بزرگ» متمرکز کند. چهار محور پیشنهادی عبارتند از:

- 1 تبدیل نقاط سقوط به «تله تکاور»**

ایران باید بداند که آمریکا برای نجات هر خلبان سرنگون شده، حجم عظیمی از نیروهای ویژه و هواپیماهای ترابری را اعزام می‌کند. با ایجاد تأخیر در اسارت خلبانان، این مناطق به «تله‌های مرگ» برای نیروهای عملیات ویژه آمریکا تبدیل می‌شوند.
- 2 نمایش بقایای هواپیماهای منهدم شده**

ایران باید به سرعت تصاویر بقایای دو هواپیمای MC-130 و چهار هلیکوپتری که آمریکایی‌ها از ترس جا گذاشته و منهدم کرده‌اند را منتشر کند. این بهترین پاسخ به ادعای ترامپ درباره «مأموریت موفقیت آمیز» است.
- 3 تمرکز بر پدافند در استان‌های مرکزی**

موفقیت شکار F-15 در اصفهان نشان داد که تمرکز پدافند در نقاط استراتژیک داخلی کارایی بالایی دارد. سیستم‌های جدید پدافندی باید به صورت متحرک و مخفی در این مناطق حفظ شوند.
- 4 بهره‌برداری از بحران «تاب‌آوری تجهیزات» آمریکا**

وقتی هواپیماهای ویژه آمریکا دچار نقص فنی می‌شوند، یعنی زنجیره تعمیر و نگهداری آن‌ها تحت فشار جنگ فرسوده شده است. ایران باید با طولانی کردن جنگ، این فرسودگی تجهیزات دشمن را تشدید کند.

IDEAS

Trump Is Putting America's Weaknesses on Display

What China can learn about the limits of American military capacity

By Phillips Payson O'Brien



Atta Kenare / AFP / Getty

APRIL 6, 2026, 6 AM ET

SHARE ↗

DISCUSS 6

SAVE □

۱۴۰۵/۰۱/۱۷

گزارش شماره دو

منبع: نشریه آتلانتیک یکی از قدیمی‌ترین و معتبرترین مجلات فکری و تحلیلی ایالات متحده است. این نشریه به دلیل انتشار مقالات عمیق توسط نخبگان آکادمیک و استراتژیست‌های برجسته، تأثیر بسزایی بر لایه‌های سیاست‌گذار در واشینگتن — به‌ویژه جریان‌های میانه و لیبرال — دارد.

نویسنده: فیلیپس پیسون اوبراین

استاد مطالعات استراتژیک در دانشگاه سنت اندروز اسکاتلند و یکی از نظریه‌پردازان برجسته در حوزه تاریخ نظامی و استراتژی جنگی است. کتاب معروف او «استراتژیست‌ها» به بررسی نحوه تصمیم‌گیری رهبران بزرگ جهان در طول جنگ‌ها می‌پردازد. او در این مقاله از دیدگاه «استراتژی کلان» به ضعف‌های دولت ترامپ می‌نگرد.

رویکرد تحلیلی

اوبراین معتقد است ترامپ در یک بن‌بست راهبردی گرفتار شده؛ او دستور بمباران ایران را صادر کرد اما هیچ طرحی برای مواجهه با بستن تنگه هرمز نداشت و اکنون تنها نظاره‌گر جهش قیمت انرژی است. این گزارش با رویکردی انتقادی تأکید می‌کند که جنگ ترامپ علیه ایران، بیش از آنکه قدرت آمریکا را به رخ بکشد، «ضعف‌های ساختاری» این کشور را برای رقبای بزرگی چون چین افشا کرده است.

چکیده گزارش آتلانتیک: نمایش ضعف ابر قدرت در برابر چشمان پکن

بحران مهمات

در ۴ هفته اول جنگ، آمریکا ۸۵۰ موشک **توماهاک** – یک چهارم کل ذخایر خود – را شلیک کرده، در حالی که نرخ بازتولید این موشک‌ها تنها ۷۲ عدد در سال است. یعنی آمریکا در یک ماه، ذخیره ۱۲ سال خود را بلعیده است.

ترس ناوگان دریایی

آمریکا جرأت نمی‌کند کشتی‌های بزرگ و گران‌قیمت خود را به سواحل ایران نزدیک کند، زیرا پدافند و پهپادهای ارزان‌قیمت ایران ثابت کرده‌اند که می‌توانند مقتدرترین شناورهای جهان را غرق کنند.

فروپاشی اتحادها

رفتار قلدرمآبانه ترامپ با متحدان ناتو و ژاپن باعث شده که هیچ‌کدام حاضر نباشند هزینه‌ی بازگشایی تنگه هرمز را برای آمریکا بپردازند.

سیگنال به چین

پکن با مشاهده ناتوانی آمریکا در بازگشایی تنگه هرمز و فرسودگی سریع ذخایر تسلیحاتی آن، در محاسبات خود برای حمله به تایوان جسورتر شده است.

محورهای کلیدی و راهبرد ایران بر اساس آتلانتیک

اثبات کارایی جنگ نامتقارن

پهپادهای ارزان و موشک‌های ضدکشتی ایران عملاً استراتژی نبرد دریایی آمریکا را فلج کرده‌اند.

شکست بازدارندگی صنعتی

نرخ جایگزینی تسلیحات دقیق آمریکا با نرخ مصرف آن در میدان جنگ ایران هیچ تناسبی ندارد. آمریکا در حال خلع سلاح شدن در برابر چین است.

شکاف در امنیت پایگاه‌ها

نفوذ پهپادهای ناشناس به پایگاه هوایی «بارکس‌دیل» (محل استقرار بمب افکن‌های هسته‌ای B-52) نشان‌دهنده ناامنی عمق خاک آمریکا است.

انزوای استراتژیک واشینگتن

آمریکا در این جنگ «تنها» مانده است؛ متحدان سنتی نه تنها در نبرد شرکت نمی‌کنند، بلکه نظاره‌گر شکست‌های آمریکا هستند.

پیشنهادات راهبردی برای ایران

- تداوم انسداد هرمز:** گزارش صراحتاً می‌گوید آمریکا گزینه‌ای برای بازگشایی اجباری ندارد. بازگشایی تنها از مسیر «مذاکره سیاسی» ممکن است.
- هدف قرار دادن اعتبار نیروی دریایی:** با استفاده از پهپادهای ایذایی، ناوهای آمریکایی را در دورترین فاصله ممکن نگه دارید. عقب‌نشینی ناوها، بهترین ابزار اثبات «پایان دوران ابرقدرتی آمریکا» است.
- بهره‌برداری از «هراس تایوان»:** هر موشک توماهاک که به سمت ایران شلیک می‌شود، یک موشک کمتر در انبار آمریکا برای دفاع از تایوان است.
- توسعه تهدیدات پهپادی:** نفوذ پهپادی به پایگاه‌های استراتژیک آمریکا در خارج از منطقه، تمرکز پدافندی دشمن را متکثر و فرسوده می‌کند.

US-Israel war on Iran

Analysis

Despite propaganda coup of F-15 crew rescue, downing is reminder to US that Iran can fight back

Dan Sabbagh
in Jerusalem

Donald Trump will claim rescue as a triumph but 48-hour drama should be a caution against launching ground operation

● Middle East crisis - live updates

Sun 5 Apr 2026 17:32 CEST

Share



Wreckage of a C-130J Hercules, from imagery released on Sunday by Iranian media. Photograph: Anadolu/Getty Images

۱۴۰۵/۰۱/۱۶

گزارش شماره سه

منبع: روزنامه گاردین یکی از معتبرترین و پرمخاطب‌ترین نشریات بریتانیایی با رویکردی لیبرال و مستقل است. تحلیل‌های نظامی گاردین معمولاً به دلیل نگاه انتقادی به سیاست‌های جنگ‌طلبانه آمریکا و بررسی دقیق «هزینه-فایده» نبردها مورد توجه نخبگان اروپایی قرار دارد.

نویسنده: دن صباغ

سردبیر بخش دفاعی و امنیتی گاردین است. او سال‌هاست که بحران‌های خاورمیانه و ناتورا پوشش می‌دهد و تخصص ویژه‌ای در تحلیل عملیات‌های هوایی و استراتژی‌های نظامی دارد. او در این گزارش از قدس (Jerusalem) به بررسی ابعاد پنهان سقوط F-15 پرداخته است.

رویکرد گزارش

گاردین معتقد است در حالی که دونالد ترامپ تلاش می‌کند نجات‌سرهنگ آمریکایی را یک «پیروزی تبلیغاتی» جلوه دهد، واقعیت این ۴۸ ساعت، هشدار جدی برای واشینگتن است. این گزارش تأکید می‌کند که سقوط یک جنگنده پس از ۵ هفته بمباران سنگین، نشان‌دهنده شکست «برتری مطلق هوایی» آمریکا و اسرائیل است.

چکیده گزارش گاردین: پیروزی نمادین یا فاجعه‌ی مالی؟

15K

سورتن بمباران

با وجود ۱۵ هزار سورتن پرواز، پدافند ایران همچنان زنده و قادر به «گزیدن» است؛ قانون جنگ نامتقارن در عمل.

20

سال‌های بدون سقوط

این اولین بار از سال ۲۰۰۳ (جنگ عراق) است که یک پرنده جنگی آمریکا توسط آتش دشمن سرنگون می‌شود؛ اتفاقی که «شکست‌ناپذیری» آمریکا را به چالش می‌کشد.

\$250M

صورت حساب نجات

ارزش تجهیزات فدا شده یا منهدم شده برای نجات تنها یک خلبان، شامل هواپیمای ۳۱ میلیون دلاری F-15، دو هواپیمای ترابری ۱۱۵ میلیون دلاری هر کدام و هلیکوپترهای آسیب دیده.

گاردین استدلال می‌کند که اگر یک عملیات ساده‌ی نجات در نزدیکی اصفهان با چنین دشواری و خسارتی همراه بوده، مأموریت‌های پیچیده‌تر مانند «سرقه ۴۴۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده» از اعماق زمین، عملاً یک خودکشی نظامی خواهد بود. در نبردی که یک طرف ۱۵ هزار بار بمباران کرده، طرف ضعیف‌تر فقط کافی است «یک بار شانس بیاورد» تا یک پیروزی بزرگ تبلیغاتی به دست آورد.

محورهای کلیدی گزارش گاردین

ناکارآمدی بمباران‌های حجیم

با وجود ۱۵ هزار سورتن پرواز، پدافند ایران همچنان زنده و قادر به «گزیدن» است. این واقعیت، کل منطق بمباران سنگین را زیر سؤال می‌برد.

فرسایش اعتبار ترامپ

تأکید ترامپ بر اینکه «هیچ سربازی را جا نمی‌گذاریم» یک تعهد اخلاقی است، اما در میدان جنگ ایران، این تعهد به یک «بار هزینه‌ای سنگین» تبدیل شده که هر بار ریسک تلفات بیشتر را افزایش می‌دهد.

شکندگی عملیات در عمق

استفاده از باندهای رها شده داخل ایران برای مأموریت‌های نجات، به دلیل نقص فنی و زمین‌گیر شدن هواپیماها، به یک نقطه ضعف بزرگ تبدیل شده است.

ترس از اسارت (مدل ۱۹۷۹)

وحشت اصلی کاخ سفید، تکرار بحران گروگان‌گیری سال ۱۳۵۸ است. این ترس باعث شده آمریکا هزینه‌های نجومی — مثل انهدام هواپیماهای خودی — را بپذیرد تا هیچ سربازی به دست ایران نیفتد.

نظر کارشناس: راهبرد ایران بر اساس گاردین

بر اساس تحلیل گاردین، استراتژی «یک شلیک، یک بحران» برای ایران بسیار کارآمد است. پیشنهادت راهبردی:



جنگ رسانه‌ای با «صورت حساب جنگ»

رسانه‌های ایران باید بر روی عدد ۲۵۰ میلیون دلار برای یک نفر تمرکز کنند. این پیام باید به مالیات‌دهندگان آمریکایی برسد که ترامپ ثروت ملی آن‌ها را در خاک ایران به آتش می‌کشد.



استمرار «شکار هدفمند»

ایران نیازی به سرنگونی کل ناوگان آمریکا ندارد. هر سقوط تک نفره، کل ماشین جنگی آمریکا را وارد یک «بحران نجات» پرهزینه می‌کند که در آن آمریکا مجبور به خودزنی تجهیزات می‌شود.



تمرکز بر «جنگ شانس»

همان‌طور که گاردین گفت، ایران فقط باید «یک بار شانس بیاورد». تمرکز پدافند بر روی پرنده‌های بارزش مثل تانکرهای سوخت‌رسان یا هواپیماهای فرماندهی می‌تواند کل عملیات‌های هوایی دشمن را فلج کند.



بهره‌برداری از «سندروم کارتر»

ایران باید با مانورهای تبلیغاتی نشان دهد که به دنبال «اسیر گرفتن» از نیروهای ویژه آمریکایی است. این موضوع باعث افزایش احتیاط و کاهش تحرک کماندوهای آمریکایی در خاک ایران می‌شود.

Planes and pilots down: Is US prepared for real conventional war?

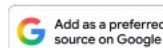
We were told we had total air superiority and that Iran's military is 'decimated.' Suddenly that isn't the case and things have gotten much more complicated.

ANALYSIS | QIOSK

Qiosk >

ADAM WEINSTEIN

APR 03, 2026



۱۴۰۵/۰۱/۱۴

گزارش شماره چهار

منبع: Responsible Statecraft

ارگان تحلیلی «مؤسسه کوئینسی» (Quincy Institute) است؛ اندیشکده‌ای در واشینگتن که توسط چهره‌هایی نظیر «استیون والت» اداره می‌شود و مدافع خویشتن‌داری در سیاست خارجی آمریکا و دیپلماسی است. مقالات این نشریه معمولاً با رویکردی واقع‌گرایانه، هزینه‌های پنهان جنگ‌طلبی آمریکا را نقد می‌کنند.

نویسنده: آدام وینستین

نایب‌رئیس برنامه خاورمیانه در مؤسسه کوئینسی است. او متخصص مسائل امنیتی و حقوقی در مناطق جنگی (افغانستان و عراق) است و نگاهی دقیق به چالش‌های حقوق بین‌الملل و واقعیت‌های میدانی نبردهای کلاسیک دارد.

چکیده گزارش: شوک «جنگ واقعی» پس از ۲۵ سال آسودگی

این گزارش فراتر از یک رویداد تاکتیکی، نشان می‌دهد که ارتش ایالات متحده پس از ربع قرن آسودگی در جنگ‌های نامتقارن، اکنون در برابر پدافند هوایی ایران با واقعیتِ خشنِ یک «جنگ کلاسیک» روبرو شده است؛ واقعیتی که در آن حتی عملیات‌های نجات نیز با انهدام ناوگان ترابری و شکست‌های لجستیکی همراه است.

این گزارش با لحنی هشدارآمیز تأکید می‌کند که درست ۲۴ ساعت پس از ادعاهای مکرر ترامپ مبنی بر «نابود شدن» ارتش ایران، سقوط جنگنده F-15E بر فراز استان خوزستان، بطلان این ادعاها را ثابت کرد. وینستین معتقد است ارتش آمریکا طی ۲۵ سال گذشته، در افغانستان، عراق و نبرد با داعش، عادت کرده بود که در «آسمان‌های بی‌خطر» (Permissive Environments) پرواز کند؛ جایی که دشمن هیچ پدافندی نداشت. اما اکنون برای اولین بار از زمان جنگ کوزوو (۱۹۹۹)، آمریکا وارد یک «جنگ کلاسیک واقعی» شده است که در آن آسمان اصلاً امن نیست.

این عبارت دقیقاً به عنوان زیرتیتر (Lead) در این گزارش آمده است:

«به ما گفته بودند که برتری هوایی کامل داریم و ارتش ایران هم “از هم پاشیده” شده است. اما حالا معلوم شده اصلاً این طور نیست و اوضاع خیلی پیچیده‌تر شده است.»

نکات کلیدی و محورهای راهبردی رسانسبیل استتیت گرفت

نکات کلیدی گزارش

ریسک تصاعدی عملیات نجات

هر ساعت که از گم شدن خلبان دوم می‌گذرد، ریسک عملیات نجات (CSAR) به صورت تصاعدی بالا می‌رود؛ زیرا آمریکا مجبور است پرنده‌های بیشتری را وارد حوزه‌ی آتش پدافند ایران کند.

شکست روایت «نابودی ایران»

برخلاف ادعای ترامپ، ایران نه تنها نابود نشده، بلکه شبکه‌ی پدافندی فعال و خطرناکی دارد که توانسته همزمان یک F-15 را ساقط و یک A-10 را در نزدیکی هرمز هدف قرار دهد.

کابوسی اسارت (POW)

اگر خلبان دوم زنده و در اسارت ایران باشد، طبق کنوانسیون ژنو یک «اسیر جنگی» محسوب می‌شود. اسارت یک مقام بلندپایه نظامی آمریکا، کل مسیر دیپلماسی و استراتژی جنگی واشینگتن را دچار پیچیدگی و بن بست می‌کند.

محورهای راهبردی

- تغییر موازنه روانی: تمسخر علنی این حادثه توسط مقامات عالی ایران (مانند قالیباف) نشان‌دهنده اعتماد به نفس بالای جبهه مقابل است.
- اهرم فشار سیاسی: اسارت احتمالی خلبان آمریکایی، ترامپ را در برابر افکار عمومی آمریکا به شدت آسیب‌پذیر می‌کند و ایران را در موقعیت برتر برای هرگونه مذاکره احتمالی قرار می‌دهد.
- خطر «فرسایش نجات»: اصرار آمریکا بر نجات خلبان، فرصتی برای ایران ایجاد کرده تا از طریق «تله‌گذاری هوایی»، تلفات بیشتری از ناوگان هلیکوپتری و ترابری آمریکا بگیرد.
- پایان عصر برتری مطلق هوایی: ایران دارای یک «شبکه پدافندی توزیع‌شده» است که هنوز از کار نیفتاده است.

بسته پیشنهادی راهبردی: رسانه‌ای و میدانی

با توجه به داده‌های استخراج شده از گزارش‌های چهارگانه این شماره (رویترز، آتلانتیک، گاردین و اسپانسیل استیت کرفت)، محورهای عملیاتی زیر بر اساس مخاطب هدف پیشنهاد می‌شود:



مخاطب انگلیسی‌زبان

رسانه‌ای:

برجسته‌سازی
«صورت حساب
ترامپ»؛ انتشار محتوا
با تمرکز بر عدد ۲۵۰
میلیون دلار خسارت
برای نجات تنها یک نفر.
طرح این پرسش: «آیا
غرور ترامپ ارزش خالی
شدن انبارهای مهمات
مورد نیاز برای دفاع از
تایوان را دارد؟»

میدانی:

نفوذ رسانه‌ای برای
ضریب دادن به
گزارش‌هایی که هشدار
می‌دهند جنگ با ایران،
آمریکا را در برابر چین
ضعیف کرده است؛
هدف، تحریک لابی‌های
ضد جنگ برای فشار بر
کاخ سفید جهت توقف
درگیری است.



مخاطب عرب‌زبان

رسانه‌ای: معرفی ایران

به عنوان «قدرت برتر
نظم‌دهنده»؛ تبیین
اینکه دوران حضور
بی‌هزینه آمریکا در
خلیج فارس به پایان
رسیده و امنیت واقعی
کشتیرانی تنها از مسیر
توافق با تهران
می‌گذرد.

میدانی: تقویت

گشت‌های دریایی و
هوایی در مجاورت
خطوط ترددی که
آمریکا از حفاظت آن‌ها
ناتوان مانده است.



مخاطب عبری‌زبان

رسانه‌ای: القای حس

«تنهایی استراتژیک»؛
تأکید بر اینکه آمریکا
حتی در نجات خلبان
خود ناتوان است و
نمی‌تواند تکیه‌گاه
مطمئنی برای امنیت
اسرائیل باشد.

میدانی: عملیات روانی

با این پیام: «وقتی
آمریکا برای نجات یک
سرهنگ خود ناچار به
نابودی ۶ فروند هواپیما
می‌شود، برای سربازان
شما در مرزهای لبنان
چه هزینه‌ای خواهد
کرد؟»



مخاطب داخلی

رسانه‌ای: تبیین

مفهوم «امنیت
ساخت ایران»؛ تأکید
بر اینکه پدافند هوایی
کشور موفق شده است
آسمان را برای
مدرن‌ترین
جنگنده‌های جهان
ناامن کند.

میدانی: نمایش

عمومی بقایای
لاشه‌های منهدم شده
(MC-130 و
هلیکوپترها) که توسط
خود آمریکایی‌ها از
ترسِ لو رفتن تکنولوژی
منهدم شدند، به
عنوان «سند استیصال
دشمن».